

بخارا را در زهد و تقوی و علم و ولایت و کرامت او  
اعتقاد عظیم است و هیچ مومنی بخانزاده الکاتب نشود  
و در طریقت نسبت به شیخ جعفر خلدی کردی و هم نام است  
و جعفر خلدی هر چند شیخ جعفر بود قدس الله تعالی  
روح و از سید ابوالحسن رحمه الله منقول است که  
شیخ جعفر خلدی مرا گفت این ششم نزدیک ما باشد  
بنام شیخ و عیال کردیم بواسطه آنکه مراد خاص شیخ  
بر یاری بود و کبریا و نفس مراد را بجای گشت بود چون  
وقت افطار شد دیک را حادوم از تنور بر می کنند  
از دست او می خورند و بشکست و اگر کجا با حال ۲  
مخلط شد خون بدان منقول شد ندیدم در آمد  
و شیخ را در ربه بود چون با بد او چشم شیخ بر ما نهاد  
فرمود هر که دل بر آن نگاهند او حق تعالی را  
با وی مساط کند تو فی بخارا فرزند حسن است  
و غایت او در حق تعالی با آنچه تم از خواستگاه

بعد عشرين ساله اکثر اهل الجمار و دوفو باقی موضع  
آخر در شیخ گفته بدیدند که آن مسلک بر سر قبر سید  
ابوالحسن است از نوچه او آورده اند از آن موضع که  
با رسول رسول راضی الله علیه و سلم و مراد و سید ابو  
الحسن و هیت کرده اند که بر سر قبر ایشان نهند و این  
زمان اهل حاجات و بیماریان با آن تفریب می نمایند  
و معات کفایت می کرد و در جریبت دیک در اندر دل  
حصار نزدیک بدروازه که مرز است که آنرا بیت یامان  
سقیان نوری می خوانند می کنند و این نسبت است  
هر که در جامع الاول و غیر آن نهند است که مات  
با بیره سنا حدی و سستین و مانه فرزند و المدی  
و در شرح صحیح که مانه رحمه الله چنین نوشته است که مات  
با بیره متوار با من سلطانها و دهن غنا سستین  
و مانه دیک بر شمالا سید جامع تربت حواجر عارف  
رسیده مولی است و سید ابوبکر که عالم و زاهد و عارف